

عوامل و موانع مشارکت کودکان در تشکیل فضای شهری*

چکیده | مشارکت همکارانه کودکان با تصویب قوانین حقوق کودک و محور قرار گرفتن حقوق شهروندی آنان از دهه ۱۹۸۰ مورد توجه طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است. مشارکت در فرایند طراحی فضاهای شهری به کودکان اجازه می‌دهد در ایجاد فضاهای زندگی خود سهیم باشند و محیط پیرامونشان را متناسب با ایده‌ها و نظرهای خود بسازند. از آنجایی که کودکان ویژگی‌های جسمی، روحی و شخصیتی منحصر به خود را دارند، فرایند مشارکت آنان نیز متناسب با جایگاهشان در جامعه تعریف می‌شود. بر این مبنا، هدف پژوهش حاضر بررسی تجارب پروژه‌های اجرایی مشارکت کودکان در فرایند طراحی فضاهای شهری در جهان و ایران بوده است، تا از این طریق بتوان اصولی عملی برای تنظیم فرایند مشارکت همکارانه کودکان در جامعه ایران پیشنهاد داد. روش پژوهش به کار گرفته شده در این مقاله توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مرور نتایج تجارب عملی، رویکرد و فرایند مشارکت کودکان در طراحی فضاهای شهری در ایران و جهان ارزیابی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد برای برنامه‌ریزی فرایند مشارکت کودکان، اکتفا به مبانی نظری و اصول تئوری پشتیبان کافی نیست. ضروری است با بهره‌گیری از راهکارهای اجرایی تجارب در جوامع مختلف، عوامل مؤثر در موفقیت یا شکست مشارکت همکارانه کودکان را شناسایی کرد و برای تحقق یک پروژه شهرسازی مشارکتی کودکان در فرایند طراحی فضاهای شهری ایران به کار برد.

واژگان کلیدی | کودکان، مشارکت همکارانه کودکان، شهرسازی مشارکتی، فضاهای شهری کودک‌محور.

شهره عزتیان
کارشناس ارشد طراحی شهری،
دانشگاه تهران

ezzatian_sh@ut.ac.ir

مقدمه

تمام عرصه‌ها برای ارزش قائل شدن به حضور کودکان در تصمیم‌گیری‌ها انجام شد. به گونه‌ای که صاحب‌نظران در عرصه‌ی شهرسازی، معماران و طراحان در بعد رویه‌ای طراحی فضای شهری تلاش کردند با ایجاد بستری برای اظهارنظر و عقیده کودکان و رساندن صدای آنها به مسئولان، از حقوق آنها حمایت کرده و فضایی کودک‌محور را با مشارکت آنها ایجاد کنند (Becker, 2011). به همین منظور تحقیقات و مطالعات میدانی برای مدون کردن مبانی نظری و فرضیه‌سازی تأمین حقوق کودکان در شهر، حضور آنان در فضای شهری و نهایتاً مشارکت آنها در فرایند طراحی انجام شد؛ به گونه‌ای که در این عرصه کودکان به عنوان شهروندانی شناخته شده‌اند که به لحاظ موقعیت سنی نیاز به حمایت و حفاظت دارند. در ابتدا به وسیله سازمان‌هایی از جمله مجمع بین‌المللی حقوق کودکان برای بازی^۱، حق بازی برای کودکان توسط ملت‌ها پذیرفته شد. این حق تأثیر بسیار سودمندی در اندیشه و عمل برای مشارکت کودکان به عنوان شرکت‌کنندگان بی‌قدرت گذاشت. متخصصانی از جمله هارت (۱۹۹۷)، بارتلت (۱۹۹۹)، ریوکی (۱۹۹۵) و چاولا (۲۰۰۱) در این زمینه فعالیت کرده‌اند (Francis & Lorenzo, 2002:159). علاوه بر آن پروژه‌هایی که هم‌زمان در زمینه حقوق کودکان انجام شد؛ شورای شهر کودکان و شهرهای دوست‌دار کودک بوده است که هر دو از سوی یونیسف حمایت می‌شد.

پروژه شهرهای دوست‌دار کودک از سال ۱۹۹۵ برای اجرایی کردن حقوق کودکان در سطح محلی به کار گرفته شده و از سال ۱۹۹۶ به نوعی جنبش اجتماعی تبدیل شده است. از جمله اهداف این پروژه‌ها تنظیم چارچوب‌های اصولی و قانونی مبتنی بر حقوق کودکان، تنظیم برنامه بودجه برای کودکان و نمایش روند اجرایی و ضمانت حقوق کودکان بوده است (Child Rights Information Network, 2008: 17-18). پس از آن از اوایل قرن ۲۱ نهادینه‌سازی مشارکت کودکان در محور فعالیت‌های صاحب‌نظران قرار گرفت. در این دوره کودکان به عنوان همکار بزرگسالان در نظر گرفته شدند و در چارچوب سازمانی که توسط بزرگسالان تهیه شده بود، با پذیرفتن همان قدرت و دانش بزرگسالان در فرایند طراحی شرکت می‌کردند.

امروزه با گسترش توجه به حقوق کودکان، جوامع بین‌المللی تلاش می‌کنند جایگاه قانونی برای رعایت حقوق این شهروندان کوچک فراهم شود. به این سبب زمینه برای تجلی حضور آنان در قوانین، مقررات و حقوق شهری ایجاد شده است. در مصوبات بین‌المللی و داخلی علاوه بر توجه به تأمین نیازهای اولیه و نیاز کودکان به بازی، بر اهمیت مشارکت کودکان در سهم ساختن آنان در فرایند مکان‌سازی تأکید شده است. این بستر فراهم شده از جوامع به ویژه قشر تأثیرگذار در برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی‌های شهری انتظار دارد که نظر کودکان را در فرایند مشارکتی طراحی فضای شهری اجرا کنند.

سوالات تحقیق

۱. عوامل موفقیت و شکست در پروژه‌های مشارکت کودکان در جهان و ایران چیست؟
۲. چارچوب عملی در فرایند مشارکت کودکان در طراحی فضای شهری چگونه است؟
۳. برای موفقیت در فرایند مشارکت کودکان چه رویکرد و ساختاری باید مورد توجه قرار گیرد؟

نظریه‌ها و پیشینه مشارکت کودکان در فرایند طراحی فضای شهری

مشارکت کودکان عرصه‌ای است برای کودکان که بتوانند نظر خود را درباره محیط پیرامون ارائه کنند (Hart, 2002: 136). این نوع مشارکت از اواخر دهه ۱۹۸۰ با تصویب کنوانسیون حقوق کودک در سازمان ملل (۱۹۸۹) جایگاه قانونی در میان کشورها پیدا کرد. این سند مهم‌ترین سند بین‌المللی در رابطه با کودکان و اولین ابزار قانونی بین‌المللی است که طیف گسترده‌ای از حقوق انسانی را برای کودکان تضمین می‌کند. در این معاهده به عنوان «لایحه حقوق بشر» برای کودکان از کشورهای تصویب‌کننده درخواست می‌شود شرایطی را به وجود آورند که در آن، کودکان نقش فعال و خلاق را در زندگی اجتماعی و سیاسی کشور خود ایفا کنند و دولت‌ها در زمینه موضوعات تأثیرگذار بر زندگی آنها با دریافت ایده‌هایشان حامی آنها و فعالیت‌های مطلوبشان باشند (دریسل، ۱۳۸۷: ۲۸). از زمان تصویب قوانین بین‌المللی فعالیت‌های اجرایی در

پانتم ۲۰۰۰ و آدلرو کوون ۲۰۰۲، بسترسازی فرهنگ مشارکت دوستانه (Subramania & Moncloa, 2010) برای ایجاد برنامه‌های سازمانی و عملیاتی کردن دو راهبرد «نوجوانان در حکمرانی»^۲ و «مشارکت جوانان و بزرگسالان با یکدیگر»^۳ در سطح حکومت‌های ملی و محلی از جمله اقدامات موفق است که در این راستا انجام شده است (Ibid: 27).

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده و گردآوری اطلاعات با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، بر مبنای بررسی متون، اسناد و مقالات موجود در پایگاه‌های اطلاعات علمی و مصاحبه با گروه‌های اجرایی در ایران انجام شده است. سپس برای مقایسه تطبیقی تجارب ایران و جهان ابتدا معرفی مختصری از هر یک از تجارب ارائه شده و با استخراج اهداف، رویکردها و فرایند تحقق مشارکت کودکان، اصول مورد نظر در هر یک از تجارب بررسی و ارزیابی شده است. در پایان، راهکارهایی برای تنظیم چارچوب فرایند مشارکت کودکان در ایران پیشنهاد شده است.

تجارب عملی مشارکت کودکان در طراحی

در حال حاضر چندین پروژه توسعه شهری در کشورهای توسعه‌یافته برای نهادینه‌سازی مشارکت کودکان انجام گرفته است که عموماً محدود به تغییرات محیطی یا ایده‌پردازی برای آنچه کودکان از محیط می‌خواهند، بوده است (Francis & Lorenzo, 2002: 165).

از دستاوردهای مهم این دوره تلاش برای مشارکت کودکان در عین واقع‌بینی از دوران زندگی آنان با رویکردی به سوی آینده بوده است، تا فرایند مشارکت به عنوان یک فرایند گفتگویی تعاملی و آینده‌نگروار در میان کودکان و بزرگسالان عمل کند. این زمینه فراهم‌شده در طیفی از انواع مشارکت سنتی که به صورت ساده کودکان را درگیر می‌کند، تعریف شده است و تلاش می‌کند کودکان به عنوان کودک در کنار بزرگسالان فعالیت کنند. مزیت اصلی این رویکرد حضور پررنگ کودکان در جامعه به همراه نظارت افزایش یافته و کنترل شده بزرگسالان است. جنبش شهرهای پایدار، پایگاه خوبی برای پیشرفت این عرصه بوده است. در این پروژه‌ها با استفاده از نظریه‌های میان‌رشته‌ای برای طراحی محیطی که مردم را در طراحی محیط پیرامونشان درگیر می‌کند، یک فرایند آموزشی متقابل در میان شهروندان و طراحان برنامه‌ریزی می‌شود و کودکان را به صورت مستقیم در برنامه‌ریزی محیط‌زیست وارد می‌کند (Hasirci et al, 2007:5-6).

در سال‌های اخیر که بیش از یک دهه از ورود به قرن بیست و یکم میلادی می‌گذرد با فراگیر شدن میان‌رشته‌ای بودن طراحی‌های محیطی و تلاش برای فعالیت‌های همکارانه برای حل مسایل اجتماعی، رویکرد ایجاد فضاهای درون سازمانی برای تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرهنگ مشارکتی برای مکان‌سازی و گسترش سرمایه‌های اجتماعی در کانون توجه قرار گرفته است. در این تئوری‌های عملکرد محور، هدف ارتقاء تسلط ذی‌نفعان بر فضای مورد استفاده‌شان بوده است. در ارتباط با کودکان و فضای مشارکتی آنان نیز هدف، افزایش دوران کودکی کودکان و حفظ فضای اجتماعی آنان در توازی منطقی از نظارت بزرگسالان است. در این رویکرد کودکان در کنار بزرگسالان از حقوق خود دفاع می‌کنند و در بستر فراهم شده برای مشارکتی اجتماعی شرکت می‌کنند.

ارایه نظریه‌های سرمایه‌های اجتماعی در شهر از سوی



تصویر ۱: گروهی از کودکان و ترسیم جزئیات در نقشه، مأخذ: <http://www.wvi.org/sites/default/files/styles/large/public>

فضاهای شهری در جهان

پروژه شارِت^۲

پروژه «شارت» (CHARRETTE) در سال ۲۰۰۲ در دانشگاه واشنگتن انجام شده است. در این پروژه واژه شارِت، به عنوان توصیفی از یک تجربه آموزشی منحصر به فرد همکارانه به کار برده شده است که تلاش می‌کند در کوتاه‌ترین زمان ممکن، پروژه را به اهداف خود نزدیک کند. تئوری و مبانی نظری پشتیبان از این پروژه، تحقق عدالت اجتماعی در فضای شهری برای کودکان بوده که تلاش می‌کند با برنامه‌ریزی مجموعه کارگاه‌های آموزشی، مشارکت فکری و ابزاری کودکان را در فرایند طراحی به صورت عملیاتی محقق کند. هدف از انجام این پروژه مکان‌سازی برای کودکان به همراه ایجاد فضایی درون‌سازمانی برای مشارکت آنان در مدیریت شهری بوده است، که بتواند ارتباط متقابل و اثرگذار فضای شهر بر شکل‌گیری شخصیت کودکان را نیز کشف کند

(Sutton & Kemp, 2002:174-176). به همین دلیل فعالیت مکان‌سازی شارِت با راهبردهایی آغاز شده است که ادراک کودکان و الگوی رفتاری آنها را در محیط محله و در پیوند با رفتار همسایگان بررسی و مستند می‌کند. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این پروژه که عملیات اجرایی آن با موفقیت همراه بوده، همکاری فعال و متقابل دانشگاه به عنوان بستر علمی پشتیبان و کودکان در مدرسه و فضای محله بوده است. در این فرایند، کودکان با کمک دانشجویان دانشگاه به عنوان تسهیل‌گر با مهارت‌های طراحی آشنا شده‌اند و استادان نیز فرایند مشارکت را در سطح بالا هدایت کرده‌اند. به عبارتی دانشجویان به عنوان حلقه واسط در صدد ایجاد زبان مشترک در میان کودکان در فضای مدرسه با دانشگاه بوده‌اند. در این پروژه کودکان ۹ تا ۱۱ سال و ۱۴ تا ۱۸ سال شرکت داشته‌اند. فرایند عملیاتی پروژه به صورت برگزاری جلسات گروه‌مایی در محدوده طراحی پروژه بوده است؛ به گونه‌ای که کودکان خود از نزدیک با مجموعه امکانات و مشکلات محدوده طراحی آشنا شده و نظرها و ایده‌های خود را ارایه کرده‌اند. در پایان نیز کودکان نظرات و ایده‌های خود را در معرض نمایش همگان قرار داده‌اند (تصویر ۱).

دستاوردهایی که شارِت برای طراحان و برنامه‌ریزان به

ارمغان آورده است :

۱. کودکان در فرایند مشارکت با خواسته‌ها و مطالباتی که می‌توانند از محیط اطرافشان داشته باشند، آشنا شده و نسبت به امکاناتی که محیط پیرامون در اختیار آنها می‌گذارد، آگاه شوند.
۲. در این تمرین فرصتی برای کودکان فراهم شده است که با استقلال در تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت، محیط پیرامونی خود را کنترل کنند.
۳. حضور کودکان در محدوده طراحی امکان درک، کشف و بررسی محیط واقعی را به کودکان داده و بستری فراهم شده است که طراحان بزرگسال بتوانند تفاوت‌ها و تضادهای ادراک فضا و کشف محیط را آشکار و واضح دریافت کنند.
۴. کودکان می‌توانند با قرار گرفتن در گروه حس جمعی، پاسخ‌گو بودن و مفید بودن را در خود ارتقا دهند.
۵. کودکان در یک فرایند آموزش محور می‌توانند نسبت به محیط پیرامون خود حساس و آگاه شوند و از این طریق ایده‌های کارآمدتری را ارایه کنند. این فرایند آموزشی می‌تواند صرفاً در جهت تقویت خلاقیت کودکان، مهارت‌های کلامی و کسب توانایی برای حضور کودکان در جمع بزرگسالان باشد.
۶. همراه شدن دانشگاه با فضای واقعی زندگی کودکان توانسته است خلأهایی را که در درک کودکان از فضاهای شهری و آگاهی‌های محیطی آنان وجود دارد کشف کند و دانشگاه در صدد تأمین نیازهای آنها برآید.
۷. فرایند مشارکتی کودکان برای شناسایی و طراحی



تصویر ۲: گروه آبی کودکان و تبادل اطلاعات، مأخذ:

http://www.ecpat.org/wp-content/uploads/2016/05/Children_at_table-1024x678.jpg

حکمرانی» و «مشارکت جوانان با بزرگسالان» استفاده شده است. راهبرد نوجوانان در حکمرانی، نوعی استراتژی برای تغییر زیرساخت‌های سازمانی است که فرصتی را برای نوجوانان در مقطع راهنمایی و دبیرستان فراهم می‌کند تا به صورت سالانه گردهمایی داشته باشند. در این گردهمایی‌ها، آنها می‌توانند در مشارکت با بزرگسالان مسایل مربوط به کشورشان و مشکلات شهرهای خود را به بحث بگذارند و از تجارب بزرگسالان برای پیدا کردن راه‌حل استفاده کنند. در این گروهی که تشکیل می‌شود کودکان از شهرهای مختلف و کشورهای گوناگون با یکدیگر آشنا شده و نسبت به مسایل، دغدغه‌ها و نیازهای یکدیگر آگاهی پیدا می‌کنند. همچنین عرصه‌ای فراهم می‌شود که کودکان مهارت‌هایی را برای ایجاد ارتباط و دفاع از حقوق خودشان کسب کنند و به صورت تمرینی مسئولیت‌های مدنی و نقش‌های هدایت و رهبری را انجام دهند (Youth in Governance).

این راهبرد عملی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی تحقق‌پذیر است. از جمله پروژه‌های اجرا شده در این زمینه «برنامه کودکان در حکمرانی» در شهر واشنگتن است که به عنوان یک برنامه توسعه ابداعی مثبت برای کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شده است. در این برنامه کودکان در مجموعه اقدامات و تشکیلاتی درگیر می‌شوند که بتوانند بر تحلیل و راه‌حل‌یابی مسایل شهرشان تأثیرگذار باشند. این برنامه سالانه به صورت یک کلاس آموزشی با همکاری مدارس در واشنگتن دی‌سی برگزار می‌شود و هدف از برگزاری آن توسعه قدرت رهبری در کودکان، ایجاد ظرفیت مدنی، تقویت اعتماد به نفس در کودکان و توجه به نقش اجتماعی آنها است (Zarovy, 2012). راهبرد مشارکت جوانان با بزرگسالان، نیز نوعی استراتژی برای امکان‌پذیر کردن جوانان و ایجاد فرصت تصمیم‌گیری برای مسایل مربوط به خودشان در همراهی با بزرگسالان است. در برنامه این راهبرد، فرایندی آموزشی تدارک دیده می‌شود که جوانان را هم‌پای بزرگسالان آموزش دهد تا بتوانند در کنار بزرگسالان فکر و برنامه‌ریزی کنند و سهم برابری در فرایند تصمیم‌گیری داشته باشند. در این برنامه، شایستگی‌ها و لیاقت‌های جوانان برای همکاری در تصمیم‌گیری‌ها شناسایی می‌شود (Russell et al, 2009) و بر فرایند همکاری کودکان و نوجوانان بیشتر از حل مشکلات

فضاهای شهری به ایجاد زبان مشترک در میان کودکان و طراحان نیاز دارد که با استفاده از تسهیل‌گران و دانشجویان و پژوهشگران به‌عنوان حلقه‌های واسط می‌تواند حاصل شود.

۸. برای بهره‌برداری بیشتر و انسجام در فرایند عملیاتی نیاز به چارچوب هدفمند و پایگاه سازمانی وجود دارد که بتواند اقدامات مشارکتی کودکان را جهت دهد و سازماندهی کند. با توجه به آنچه از تجربه عملیاتی شارت حاصل شد، مشخص است برخی از نابرابری‌های محیطی که برای بهره‌برداری کودکان از فضای شهری ایجاد شده است می‌تواند با آگاه‌سازی کودکان نسبت به پیرامون خود و بهره‌گیری از همکاری کودکان در بازشناسی محیط و طراحی مجدد آن کاهش یابد. در این فرایند ضروری است مجموعه‌ای از اقدامات اطلاع‌رسانی و آموزشی هدفمند برای کودکان در جایگاه سازمانی مشخص پیگیری شود و با نزدیک کردن کودکان به واقعیت‌ها و ویژگی‌های فضای شهری، نظرات و ایده‌های آنها را برای کاهش این محدودیت‌ها دریافت کرد.

پروژه ایجاد فرهنگ مشارکتی دوستانه

پروژه «ایجاد یک فرهنگ مشارکتی دوستانه» با رویکرد همکاری کودکان در مراحل برنامه‌ریزی، پیشرفت طرح، اجرا و ارزیابی پروژه تنظیم شده است و چارچوب سازمانی آن براساس دو راهبرد عملیاتی «نوجوانان در حکمرانی» و «مشارکت جوانان و بزرگسالان با یکدیگر» تعریف شده به گونه‌ای که امکان حضور نوجوانان در تصمیم‌گیری‌های شهری و همکاری در کنار بزرگسالان فراهم شود.

فرایند انجام این پروژه شامل مراحل مختلف آگاهی، اطلاع‌رسانی، آموزش و ایده‌پردازی‌های همکارانه بوده است. به این طریق که در ابتدا کودکان از اهداف اولیه پروژه اطلاع کسب کرده و آگاهانه وارد این فرایند مشارکتی می‌شدند. سپس آنها با نمونه‌های تجارب موفق جهان آشنا می‌شوند که اطلاعات کاملی را در زمینه مشارکت کودکان با بزرگسالان و نتایج حاصل از این پروژه‌های مشارکتی در اختیار آنها قرار می‌دهد. به این طریق فهم درستی از رویکرد مشارکت، اهداف مشارکت و نتایج آن پیدا می‌کنند (Subramania & Moncloa, 2010:28-40)؛ (تصویر ۲). در این پروژه مشارکتی از دو راهبرد عملی «نوجوانان در

رهبری و مدیریتی را تمرین کنند.

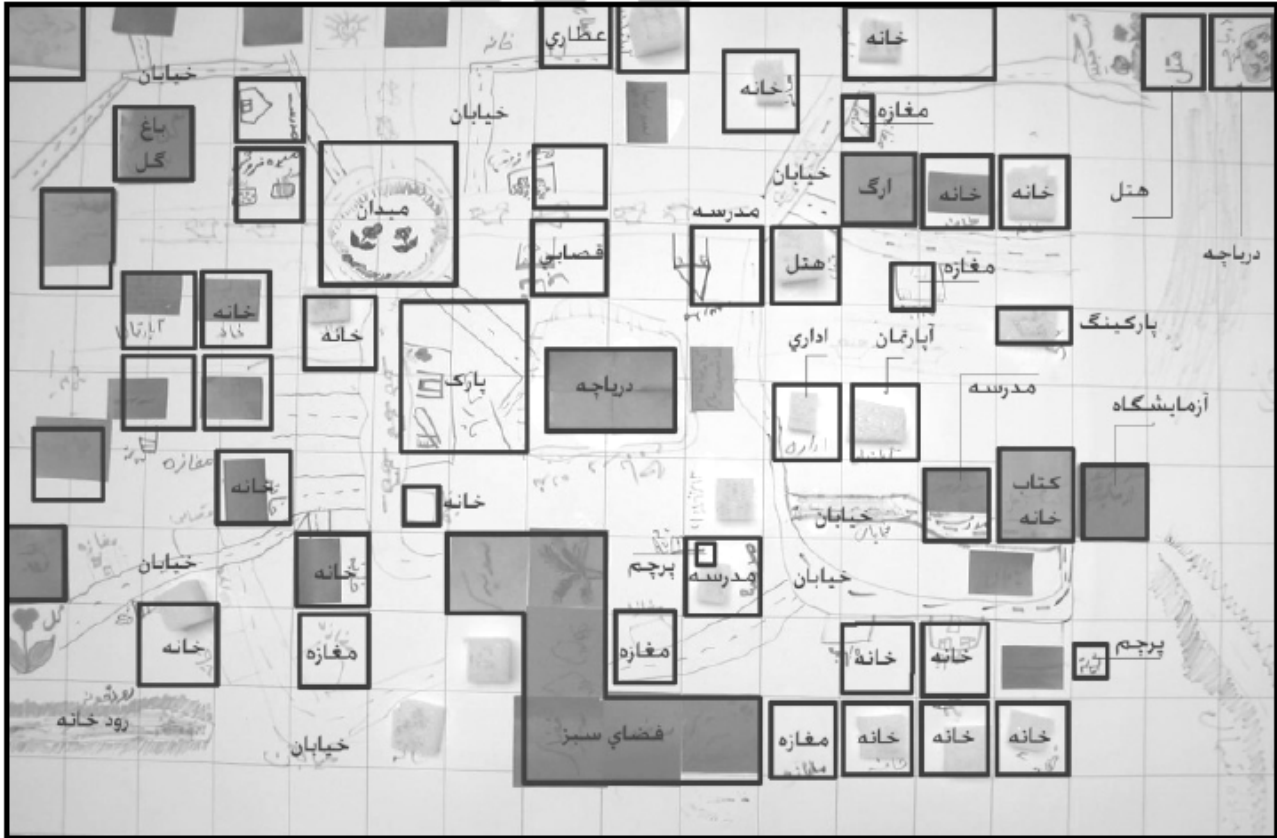
- مدارس یکی از بهترین نهادهای واسط است که می‌تواند بین کودکان و طراحان ارتباط برقرار کند. از یک سو امکانات و فرصت مهارت و دانش‌اندوزی را برای کودکان فراهم می‌کند و از سوی دیگر امکان گردهمایی با مدیران و نهادهای دولتی در جلسات رسمی را ایجاد می‌کند.
- با ایجاد زیرساخت‌های سازمانی و برنامه‌های زمانی منسجم می‌توان علاوه بر تمرین مشارکت کودکان امکان آشنایی کودکان با ایده‌های مختلف در فرهنگ‌های گوناگون با ارزش‌های متفاوت را فراهم کرد.
- در فرایند مشارکتی کودکان باید براساس شایستگی‌های خود در گروه همکاری قرار گیرند و متناسب با موقعیت و سطح فکری آموزش ببینند.
- برای موفقیت در فرایند مشارکتی ضروری است سلسله

تأکید می‌شود و به نوعی از پروژه‌های فرایند محور به شمار می‌آید.

با توجه به آنچه بررسی شد پروژه فرهنگ مشارکتی دوستانه در فرایندی هدفمند با آگاه‌سازی، آموزش و تکیه بر مرور تجارب عملی انجام می‌شود و تلاش می‌کند کودکان فهم درستی از مشارکت همکارانه با بزرگسالان پیدا کنند.

دستاورد‌های این پروژه به قرار زیر است :

- برای ایجاد مشارکت واقعی و فعالانه، کودکان ابتدا باید نسبت به اهداف پژوهش آگاه شوند.
- کودکان برای دفاع از حقوق خود نیاز است با مهارت‌هایی در جهت برقراری ارتباط و مسئولیت‌پذیری آگاه شوند.
- کودکان باید در فرایندی قرار گیرند که نقش‌های



تصویر ۳: جانمایی فضای سبز در یکی از جداول در پروژه شهر دوستدار کودک بم. مأخذ: کامل‌نیا و حقیر، ۱۳۸۸.

سطح کل کشور پایه‌ریزی کنند. به همین منظور معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری اصفهان با برگزاری جلسه هم‌اندیشی با حضور اساتید دانشگاه‌های اصفهان، هنر و دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، گروه‌های علوم محیطی و شهری، علوم تربیتی، علوم اجتماعی و مشاوران؛ شهر دوست‌دار کودک ایران در شهرداری اصفهان را با همکاری سازمان‌های مرتبط به منظور ارتقای کیفی همه‌جانبه زندگی کودکان در شهر تأسیس کرده است (معرفی اصفهان به عنوان شهر دوست‌دار کودک در ایران، ۱۳۹۵).

پروژه شهر دوست‌دار کودک بم

شهر دوست‌دار کودک بم در سال ۱۳۸۲ پس از زلزله بم شکل گرفت و سازمان یونیسف با همکاری دیگر نهادها پروژه را با هدف مشارکت جمعی کودکان تعریف کردند.

مهم‌ترین اهداف این طرح شامل موارد زیر است:

- تقویت مشارکت کودکان: باید به کودکان فرصت داد تا درباره محیط اطرافشان تصمیم‌گیری کند. این موضوع نباید بعد از تصمیم‌گیری صورت بگیرد بلکه باید در حین تصمیم‌گیری کودکان را دخالت داد.

- بالا بردن آگاهی اجتماع: برای تقویت احترام به حقوق کودکان باید جامعه را آگاه کرد. تمام سطوح مختلف اجتماع بایستی نسبت به این موضوع آگاهی یابد.

- ظرفیت‌سازی و تقویت مشارکت: این پروژه‌ها باید بتواند امکانات، توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه کودکان را ارتقاء دهد و با معنادار کردن روش‌های مشارکت دانش و آگاهی کودکان را افزایش دهد (کامل‌نیا و حقیر، ۱۳۸۸: ۸۰).

طرح شهر دوست‌دار کودک بم شامل پروژه‌های متعددی بود که به لحاظ عملکردی و زیرساختی نیازهای کودکان را تأمین می‌کرد. این پروژه‌ها شامل احداث زمین بازی، ایجاد تجهیزات بهداشتی، تأمین آب نوشیدنی سالم، تجهیز امکانات بهداشتی مدارس، ساخت مدرسه، احداث مرکز نگهداری کودکان خردسال بوده است. در این پروژه‌ها که در فرایند مشارکتی برنامه‌ریزی و طراحی شده است، مانند پروژه مدرسه رویایی؛ طراحان پس دریافت نظر کودکان اولویت‌بندی آنها نسبت به موضوعات و پیشنهادات را با اولویت‌هایی که گروه طراحان در نظر گرفته بودند مقایسه



تصویر ۴: شناخت محله و ترسیم جزئیات در نقشه توسط کودکان، محله هرنندی، تهران. مأخذ: عزتیان، ۱۳۹۲.

عملیات هدفمند در سطح برنامه‌ای و سازمانی در فضای رسمی و غیررسمی برنامه‌ریزی شود.

تجارب عملی مشارکت کودکان در طراحی فضاهای شهری در ایران

در سال‌های اخیر در ایران طرح شهر دوست‌دار کودک در قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور با حمایت سازمان ملل (یونیسف) در دستور کار قرار گرفته است. این طرح‌ها با توجه به قوانین الحاقی در زمینه توسعه فضاهای فرهنگی، فراغتی و اجتماعی و انجام تمهیدات لازم جهت رفاه و آسایش شهروندان اجرا می‌شوند. لازم به ذکر است شهرداری تهران در سال ۱۳۸۶ برای هدایت پروژه شهر دوست‌دار کودک در شهرهای خاورمیانه و شمال آفریقا به‌عنوان دبیرخانه مسئولیت پذیرفته و ابلاغیه شهرداری تهران برای همکاری مراجع ذی‌ربط در اجرای پروژه شهر دوست‌دار کودک در اردیبهشت ۱۳۸۸ اعلام شده است (شورای اسلامی شهر تهران، ۱۳۸۸). پروژه‌های اجرایی دبیرخانه شهر تهران شامل طرح محله‌های دوست‌دار کودک در جنوب تهران و چند طرح اجتماعی مرتبط با امور زنان و کودکان بوده است. با توجه به نتیجه طرح‌ها این پروژه‌ها نتوانسته‌اند اقدامات مؤثری را در

طرح محلات دوست‌دار کودک از سال ۱۳۸۶ در شهرداری تهران، در پنج محله شهر تهران با مشارکت مؤسسه تغذیه و سلامت و مؤسسه پژوهشی کودکان به صورت الگویی به اجرا درآمد. محله هرندی به عنوان اولین محله انتخاب شد. طرح با در نظر گرفتن بسترسازی برای حضور کودکان و مناسب‌سازی محیط زندگی آنان در سه فاز برنامه‌ریزی شد. در فاز اول جمع‌آوری اطلاعات پیرامون وضعیت کودکان در تهران و محله منتخب و برنامه‌ریزی برای تشکیل کمیته ذی‌نفعان مورد توجه بوده که به وسیله مطالعات کتابخانه‌ای، میدانی و تشکیل کارگروه‌ها و برگزاری کارگاه‌ها اجرا شده است. طرح شامل توانمندسازی مادران و خانواده‌ها در محله بوده تا بتوانند نیازهای اساسی کودکان را به عنوان گروه آسیب‌پذیر مورد توجه قرار دهند (گزارش عملکرد دو سالانه مؤسسه همیاران غذا، ۱۳۸۶: ۳۱-۲۸).

در این پروژه با توجه به اهمیت دوران خردسالی در

کرده‌اند. استفاده از فرایند مشارکتی در این مرحله توانسته است انتظارات کاربران و طراحان را تعدیل کند. (تصویر ۳). شاخص‌های طراحی که از نتایج این بررسی برای آرایه الگو طراحی فضای سبز حاصل شده بود به صورت زیر است:

- تلفیق فضای سبز با فضاهای بازی، به عبارتی فضاهای بازی مملو از درختان گل‌ها و دریاچه یا استخر باشد.
- فضای سبز و دریاچه به‌عنوان نقاط کانونی فضاهای بازی کودکان قرار گیرد.
- ایجاد فضاهایی برای حضور بزرگترها به موازات اینکه کودکان فضاهایی مستقل برای خود داشته باشند.
- طراحی فضاهای برای خاطر نویسی و نقاشی کودکان
- استفاده از رنگ‌های روشن، بازی نور و سایه در فضا و ایجاد فضاهای ترکیبی.
- استفاده از مصالحی که کودکان به آنها علاقه‌مندتر هستند مانند چوب و عناصر نرم طبیعی (همان: ۸۴-۸۶).

محله هرندی، شهرداری منطقه ۱۲ تهران

جدول ۱: مقایسه تطبیقی پروژه های مشارکت کودکان در فرایند طراحی فضای شهری، مأخذ: عزتیان، ۱۳۹۲: ۶۹-۶۸.

عنوان پروژه	استراتژی مکان‌سازی کودکان شارت	فرهنگ مشارکتی دوستانه	شهر دوست‌دار کودک بم	محله دوست‌دار کودک هرندی
زمان آغاز پروژه	۲۰۰۱-۲۰۰۰	۲۰۰۵-۲۰۰۷	۱۳۸۲	۱۳۸۶-۱۳۸۹
مکان پروژه	واشنگتن	کالیفرنیا	بم	تهران
مجری (حمایت‌کننده)	گروهی از استادان دانشکده‌های محیط‌زیست، علوم، مطالعات محیطی (CEEDS)	گروهی از محققان کالیفرنیا به همراه کارکنان شهر	یونیسیف و همکاری نهادها	شهرداری تهران، مؤسسه تغذیه و سلامت و مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا
ذی‌نفعان و همکاران	کودکان، والدین و متخصصان	کودکان، شهرداری‌ها، متخصصان و والدین	کودکان	کودکان و مادران نهادهای اجتماعی محلی
سطوح اجرایی	محلی و ملی	حکومت محلی در شهر و روستا	فضاهای شهری	محله
طیف سنی کودکان	۹-۱۱ و ۱۴-۱۸ سال	جوانان بالای ۲۰ سال	کودکان زیر ۱۵ سال	کودکان زیر ۹ سال

تشکیل شده و فعالیت خود را در زمینه آموزش و توانمندسازی هسته‌های اجتماعی در قالب کلاس‌ها و کارگاه‌ها انجام داده است. با ناتمام ماندن طرح محله دوست‌دار کودک، مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا که از اردیبهشت ۱۳۸۸ در خلال طرح پژوهشی محله دوست‌دار کودک، فعالیت خود را در خانه فرهنگ خواجهی کرمانی آغاز کرده و الان نیز در قالب برگزاری کلاس‌ها، کارگاه‌ها و جلسات مرتبط با اهداف طرح محله دوست‌دار کودک در این محله فعالیت می‌کند (خزاعی، ۱۳۹۰).

با توجه به آنچه در مرور این تجربه بیان شد، در این طرح ابتدا به بررسی مسایل اجتماعی برای آشنایی با فضای محله پرداخته شده و تلاش بر این بوده است که با دریافت نگاه کودکان از محیط، جایگاه کودکان در محله هرندی مشخص شود. اگرچه در پیامدهای طرح، فضاهای ویژه کودکان مانند فضای بازی و فرهنگسرا در محله ایجاد شده

کودکان، گروه هدف از نوزادان تا کودکان ۹ ساله در نظر گرفته شده بود. در فاز دوم، طرح شامل مکان‌سنجی از وضعیت موجود محله بوده است که به واسطه انتخاب و معرفی نمایندگان برای ساکنان، کارگاه‌های نیازسنجی مشارکتی انجام پذیرد و فهرستی از نیازهای کودکان در محله با اولویت‌بندی تدوین شود (تصویر ۴).

در فاز سوم نیز با ایجاد بسیج اجتماعی و ظرفیت‌سازی برای مدیریت مشارکتی انتظار می‌رفت سند برنامه‌های مداخله برای محله با مشارکت ساکنان تدوین شود. پیش‌بینی شده بود طرح تا پایان اردیبهشت ۱۳۸۸ به پایان برسد (شیخ الاسلام، ۱۳۸۷: ۲۴-۲۲). اما بنا به دلایل اداری و عدم تفاهم همکاری در میان طرفین قرارداد، طرح تنها تا فاز اول پیش رفت و مراحل بعدی کار انجام نپذیرفت. البته به موازات انجام فاز اول طرح، دبیرخانه محله دوست‌دار کودک در فروردین ۱۳۸۹ در خانه فرهنگ خواجهی کرمانی واقع در پارک خواجهی کرمانی

جدول ۲: اصول استخراج شده از پروژه‌های مشارکت کودکان در طراحی فضاهای شهری، جهان و ایران. مأخذ: نگارنده.

عنوان پروژه	در زمینه اهداف و رویکرد پروژه مشارکتی	در زمینه فرایند عملیاتی پروژه مشارکتی
استراتژی مکان‌سازی کودکان (شارت)	توجه به عدالت فضایی، توجه به محرومیت‌های مکان‌محور برای کودکان، تلاش برای تغییر زیرساخت‌های اجتماعی جهت حذف رقابت‌های ناسالم	همکاری دوسویه دانشگاه، کودکان و طراحان، ایجاد زبان مشترک در میان کودکان و طراحان، وارد کردن کودکان به محیط طراحی و فضای طراحانه
فرهنگ مشارکتی دوستانه	ایجاد تغییرات سازمانی، آگاه‌سازی و ایجاد فهم عمیق و تصمیم‌گیری به همراه بزرگسالان، تأکید بر فرایند همکاری	گردهمایی‌های سالانه، کلاس‌های آموزشی
شهر دوست‌دار کودک بم	ارتقاء آگاهی به کودکان، توسعه‌های هدفمند، ظرفیت‌سازی	مشارکت کودکان در زمان تصمیم‌گیری، گردهمایی کودکان، استفاده از ماتریس داده‌ها
محله دوست‌دار کودک هرندی	بسترسازی حضور کودکان در فضای شهری، توجه به سه جنبه برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی	جمع‌آوری اطلاعات توسط کودکان در مکان‌سنجی، بسیج عمومی

ایجاد شهرهایی مناسب‌سازی شده برای کودکان و ایجاد فضاهای شهری کودک‌مدار، ارتقای جایگاه نظارتی کودکان در دستیابی به فضاهای شهری مطلوب، تحقق عدالت اجتماعی و حذف نابرابری‌های اجتماعی در شهرها، بسترسازی درون‌سازمانی برای تأمین حقوق شهروندی کودکان در شهرها. در این بخش از مقاله با جمع‌بندی تجارب ارایه شده، مقایسه‌ای در اهداف، رویکردها و فرایندها انجام شده است.

در پروژه مکان‌سازی شارتر با محوریت عدالت فضایی و حذف محرومیت‌های مکان‌محور برای کودکان، تلاش شده است کودکان به فضای طراحانه وارد شوند. این پروژه با همکاری دانشگاه و استادان دانشگاه انجام پذیرفته است و دانشجویان به‌عنوان تسهیل‌گر در فرایند مشارکتی به ایجاد زبان مشترک در فرایند کمک کرده‌اند.

در پروژه فرهنگ مشارکتی دوستانه به ایجاد زیرساخت‌های سازمانی برای مشارکت واقعی کودکان در تصمیم‌گیری‌های شهری تأکید شده است.

در پروژه شهر دوست‌دار کودک بم در ایران نیز تلاش شده است با ارتقای آگاهی به کودکان، ظرفیت‌سازی هدفمند برای مشارکت فعال کودکان انجام پذیرد و با استفاده از ابزارهای مشارکت کودکان مانند نقاشی، مصاحبه و ماتریس داده‌ها، ایده‌های کودکان در قالب الگوهای طراحی استخراج شود (جدول ۱).

موارد زیر نیز از مهم‌ترین عوامل شکست پروژه‌های آفریقای جنوبی و محله دوست‌دار کودک هرندی، به عنوان پروژه‌های ناموفق مشارکت کودکان بوده است:

۱. عدم شفاف‌سازی مسایل در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و عدم ثبات در تصمیم‌گیری‌های مدیریت شهری؛
۲. فقدان برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت در احیاء محله‌ها؛
۳. فقدان زیرساخت‌های شهری در محدوده‌ها؛
۴. عقب‌نشینی گروه‌های حامی کودکان در سازمان مدیریتی؛
۵. عدم توجه به مسائل اجتماعی در مقابل با مسایل کالبدی- فضایی محدوده‌ها.

نتیجه‌گیری | هدف از بررسی پروژه‌های معرفی شده

است و با تجدید سازماندهی و مدیریت در محله، فعالیت‌ها برای افزایش سلامت و شادابی کودکان متمرکز شده‌اند، اما طرح به صورت مستقیم در مداخلات کالبدی- فضایی محله وارد نشده است. این در حالی است که محله هرندی جزئی از بافت‌های فرسوده در جنوب تهران است و نیاز فوری و حاد در طرح‌ریزی برای نوسازی‌های پراکنده و بدون برنامه که در حال حاضر در بافت به چشم می‌خورد، وجود دارد. از ویژگی‌های مثبت در این پروژه، در نظر گرفتن توانمندسازی مادران به‌عنوان راه حلی برای تأمین نیازهای اساسی کودکان به عنوان گروه آسیب‌پذیر و ایجاد بسیج اجتماعی و ظرفیت‌سازی برای مدیریت مشارکتی در محله بوده است.

از عوامل شکست پروژه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فقدان حمایت‌های حقوقی- اداری و عدم تفاهم همکاری در میان سازمان‌ها
- عدم توجه به مسایل اجتماعی به موازات مسایل کالبدی- فضایی؛ در این طرح راه‌کارهایی که برای حل مسایل اجتماعی ارایه شده، ناقص و ناکافی است و باید همسو با توانمندی ساکنان از لحاظ اقتصادی و فرهنگی حرکت کند.

یافته‌های تحقیق

مشارکت همکارانه کودکان در فرایند طراحی با هدف ترویج مشارکت واقعی کودکان در کشورهای مختلفی تجربه شده است. برای پیشبرد نظریه مشارکت کودکان، پروژه‌های عملی اجرا شده‌اند که بتوانند به صورت عملیاتی پیشنهادات نظری خود را به بوته آزمایش بگذارند و اصول پیشنهادی برای توسعه مشارکت کودکان در فرایند طراحی فضاهای شهری ارایه دهند.

با توجه به ماهیت اکتشافی- تحقیقاتی، این پروژه‌ها عموماً از سوی سازمان‌های دولتی- حمایتی از جمله سازمان یونیسف پشتیبانی شده‌اند و هر یک به فراخور موقعیت گروه کودکان و سطح اجتماعی جامعه، رویکردهای مختلفی را در نظر گرفته‌اند؛ رویکردهایی از قبیل، توجه به نیازهای کودکان،

حل مشکلات جامعه

- استفاده از همکاری چند سویه دانشگاه، کودکان و طراحان برای ایجاد زبان مشترک در میان کودکان و طراحان و وارد کردن کودکان به فرایند مشارکتی کودکانه
- آگاه‌سازی کودکان با برگزاری کلاس‌های آموزشی و ایجاد فهم عمیق در تصمیم‌گیری به همراه بزرگسالان
- انجام مطالعه میدانی و فعالیت‌های گروهی کودکان برای بیان مسایلشان
- استفاده از ایده‌ها و نظریات کودکان برای دریافت الگوهای طراحی در فضا
- استفاده از اصول طراحی فضاهای کودک‌مدار، توجه به نیازهای کودکان و فراهم کردن فضای منعطف برای استفاده آنها
- به کارگیری الگوهای بومی و ارزش‌های فرهنگی بستر محدوده طراحی
- رونمایی و معرفی ایده‌های کودکان به صورت نمایشگاه آثار کودکان برای گسترش و توسعه فرایند مشارکتی.

کسب عوامل موفقیت یا عدم موفقیت فرایند و رویکرد اجرایی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی بوده است تا بتوان اصولی را برای هر یک از مراحل فرایند طراحی مشارکتی کودکان در شهر ارایه کرد.

در این مقاله تلاش شد با مقایسه تطبیقی و تحلیل عوامل تأثیرگذار در پروژه‌های موفق، اصول پیشنهادی برای ایجاد فرایند مشارکتی در جامعه ایران پیشنهاد شود (جدول ۲).

دستورالعمل‌های زیر از مطالعه تطبیقی تجارب در جهان و ایران استخراج شده است :

- توجه به عدالت فضایی و محرومیت‌های مکان محور برای استفاده کودکان از فضاهای شهری
- تلاش برای تغییر زیرساخت‌های اجتماعی و حذف رقابت‌های ناسالم در محیط‌های شهری
- هدف‌گذاری برای ایجاد محیط سالم برای زندگی کودکان و شناسایی نیازهای آنان
- ایجاد تغییرات سازمانی و گردهمایی‌های سالانه و دعوت از حضور بزرگسالان برای حضور در کارگاه‌های مشارکتی کودکان
- تلاش برای ظرفیت‌سازی و توسعه استراتژی هدفمند
- توانمندسازی ساکنان و استفاده از بسیج عمومی برای

پی‌نوشت

*. این مقاله بر گرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «مناسب سازی فضاهای شهری برای حضور کودکان با تأکید بر مشارکت آنان در فرایند طراحی» است که در دانشگاه تهران با راهنمایی آقای دکتر «سید محسن حبیبی» انجام شده است.

۱. IPA

۲. YIG: Youth in governance

۳. Y/AP: Youth-adult partnerships

۴. پروژه «Intergenerational Design CHARRETTE» با همکاری «Sharon Egretta Sutton» و «Susan P. Kemp» انجام شده است.

- خزاعی، فاطمه. (۱۳۹۰). معرفی عملکرد مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا. مصاحبه نگارنده با مسئول روابط عمومی مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا.
- دریسکل، دیوید. (۱۳۸۷). ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و جوانان (راهنمای مشارکت و پژوهش مشارکتی). ترجمه: مهرنوش توکلی و نوید سعیدی رضوانی. تهران: انتشارات دیبا.
- شورای اسلامی شهر تهران (دوره سوم). (۱۳۸۸). آیین‌نامه اجرایی مصوبه شهر دوست‌دار کودک. قابل دسترس در: <http://laws.tehran.ir/Law/Tabs/226> (تاریخ مراجعه: ۲ خرداد ۱۳۹۶).
- شیخ الاسلام، ربابه. (۱۳۸۷). پروژه «محلّه دوست‌دار کودک» محلّه ۱۲ (دروازه غار). از منطقه ۱۲ شهرداری تهران. فاز اول. طرح پژوهشی با حمایت شهرداری منطقه ۱۲ تهران.
- عزتیان، شهره. (۱۳۹۲). مناسب‌سازی فضاهای شهری برای حضور کودکان در شهر با تأکید بر مشارکت کودکان در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی، نمونه موردی: شهر سده لنجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.
- کامل‌نیا، حامد و حقیر، سعید. (۱۳۸۸). الگوی طراحی فضای سبز در شهر دوست‌دار کودک نمونه موردی: شهر دوست‌دار کودک بم. مجله باغ نظر، ۶ (۱۲): ۷۷-۸۸.
- گزارش عملکرد دو سالانه مؤسسه همیاران غذا. (۸۷-۱۳۸۶). نسخه الکترونیکی (منتشر نشده).
- معرفی اصفهان به عنوان شهر دوست‌دار کودک در ایران. (۱۳۹۵). قابل دسترس در: <https://www.mehrnews.com/news/> (تاریخ دسترسی: ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۶).
- Becker, C.R. (2011). *From policies to actions, at the international and local levels*. Congress Report of *Child Participation*. Italian Committee for UNICEF.
- Child Rights Information Network (CRIN). (2008). *Children's Right to the City, NEW: A Universal Periodic Review toolkit for child rights NGOs*. access in Number 22.
- Francis, M. & Ray, L. (2002). Seven realms of children's participation. *Journal of Environmental Psychology*, (22):157-169.
- Hart, R. (2002). Containing children: some lessons on planning for play from New York City. *Environment and Urbanization*, (14):135-148.
- Hasirci, D., Kural, N., Ozaloglu, S., Tanrioer, S. & Ertez Ural, S. (2007). *A Participatory Process: Defining Urban Public Space for Children in a Squatter Settlement*. (22): 1-22.
- Russell, S, T., Tepper, N, P. & Davis, K, H. (2009). *What are Youth-Adult Partnerships?* November.
- Subramaniam, A & Moncloa, F. (2010). Young People's Perspectives on Creating a Participation-Friendly Culture. *Children, Youth and Environments*, 20 (2): 25-45.
- Sutton, Sh. E & Kemp, S.P. (2002). Children as Partners in Neighborhood Place making: Lessons from Intergenerational Design Charrettes. *Journal of Environmental Psychology*, (22):171-189.
- *Youth in Governance*. (n.d). available from: <https://extension.tennessee.edu/4h/ythgov/youth.htm> (accessed 25 March 2017).
- Zarovy, D. (2012). Youth in government handbook. Kenosha County.